

The challenge of climate change; International environmental diplomacy and its impact on sustainable development

Mohamadreza Takhshid¹

Tahereh Miladi²

ABSTRACT

The phenomenon of climate change has adverse consequences for all parts of the planet and all living things on it. These changes will lead to the destruction of the natural environment. Deteriorating environmental conditions are forcing the international community to work on negotiation processes and political decision-making for sustainable development and the development of international environmental law. The purpose of environmental diplomacy is to negotiate to prevent environmental consequences and problems. Environmental diplomacy is one of the new and active issues in the field of law and international relations, and it can be hoped that governments will interact with each other to prevent environmental hazards. It must be borne in mind that the environment does not recognize formal and geographical boundaries and that global challenges require global solutions, and that environmental diplomacy is one of the influential aspects of international environmental law to achieve Development is sustainable. This article seeks to examine the impact of environmental diplomacy at the international level and mitigate the consequences of climate change and ultimately achieve sustainable development. This article descriptively-analytically and using library resources seeks to examine the impact of environmental diplomacy at the international level and reduce the consequences of climate change and ultimately achieve sustainable development.

Keywords: Climate change, environmental diplomacy, international environmental law, sustainable development.

¹ Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. **Takhshid@ut.ac.ir**

² MA in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. **Taherehmiladi@gmail.com**

چالش تغییرات اقلیمی؛ دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست و تأثیر آن بر توسعه پایدار

محمد رضا تخشید^۱

طاهره میلادی^۲

چکیده

پدیده‌ی تغییرات اقلیمی پیامدهای سوئی برای همه نقاط کره‌ی زمین و تمامی موجودات روی آن دارد. این تغییرات نابودی محیط‌زیست طبیعی را در پی خواهد داشت. بدتر شدن وضعیت محیط‌زیست، جامعه بین‌المللی را وادار به تلاش‌هایی در زمینه روندهای مذاکراتی و تصمیم‌گیری سیاسی در جهت توسعه پایدار و تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌کند. هدف از دیپلماسی محیط‌زیست مذاکره برای ممانعت از بروز تبعات و مشکلات زیست‌محیطی است. دیپلماسی محیط‌زیست از موارد جدید و فعال در حوزه حقوق و روابط بین‌الملل است که می‌توان امیدوار بود دولت‌ها برای جلوگیری از خطرات زیست‌محیطی با هم وارد تعامل شوند. باید این نکته را در نظر داشت که محیط‌زیست مرزهای رسمی و جغرافیایی را به رسمیت نمی‌شناسد و چالش‌های جهانی، راه‌حل‌های جهانی را می‌طلبد، و همانا دیپلماسی محیط‌زیست از موارد تأثیرگذار در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برای رسیدن به توسعه پایدار است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی بررسی تأثیرگذاری دیپلماسی محیط‌زیست در سطح بین‌الملل و کاستن از پیامدهای تغییرات اقلیمی و در نهایت دست‌یابی به توسعه پایدار است.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، دیپلماسی محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، توسعه پایدار.

^۱استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول)

مقدمه

تغییرات آب و هوایی در نتیجه گرم شدن کره‌ی زمین است که پیامدهای آن ناشی از فعالیت‌های انسان است و نه تنها عوامل زیست‌محیطی بلکه جوامع بشری را نیز با خطر مواجه نموده است. به طوری که این تغییرات می‌تواند نابودی محیط‌زیست را در پی داشته باشد. در سال ۱۹۷۲ زمانی که کنفرانس سازمان ملل متحد، با موضوع محیط‌زیست انسانی در استکهلم برگزار شده بود، تنها حدود ۳۶ قرارداد چندجانبه محیط‌زیستی وجود داشت. در حالی که امروزه بیش از ۹۰۰ قرارداد و ابزار قانونی الزام‌آور تدوین شده است، که فقط به محیط‌زیست اختصاص دارند. و یا حداقل یک یا چند بند زیست‌محیطی را در بر می‌گیرند. مسئله تغییرات آب و هوایی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و نیز یکی از تهدیدات حاد زیست‌محیطی است که نسل کنونی با آن درگیر است که در نهایت صلح و امنیت بین‌المللی را نیز با خطر مواجه می‌کند. در این میان دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار مهم و کارساز در روابط بین‌الملل است، از این رو تعاملات بین‌المللی زمینه‌ساز روند ظهور دیپلماسی در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی است. در این راه روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز از فرآیند دیپلماسی تأثیر می‌پذیرد و باید به این نکته توجه داشته باشیم که تنها راه نجات خطرات و نابسامانی‌های زیست‌محیطی، دیپلماسی محیط‌زیست در اثر همکاری‌های بین‌المللی است. در این بین موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی به‌صورت صعودی در چند دهه گذشته افزایش یافته است.

در این مقاله به تبیین روند توسعه پایدار و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو دیپلماسی محیط‌زیست پرداخته می‌شود. دیپلماسی محیط‌زیست همواره چارچوبی بنیادین برای تحقق تحول و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه پایدار بوده است (طیبی، ۱۳۹۵: ۷۳). در واقع هدف اصلی دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست، برانگیختن همکاری بین‌المللی به منظور تولید موافقت‌نامه‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در خصوص مسائل زیست‌محیطی است. دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست همچنین به منظور توسعه استانداردها، از معاهدات و ابزار

قوانین نرم استفاده می‌کند تا از روند تحقق توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست در تمام سطوح اطمینان حاصل نماید. در این راستا دیپلماسی بین‌المللی به منظور هدایت نمودن مذاکرات میان کشورها در کنفرانس‌ها و جلسات، رایزنی‌های دیپلماتیک، و تعامل بین دولت‌ها صورت می‌گیرد. در این پژوهش ابتدا به بررسی تغییرات اقلیمی و تأثیر آن بر محیط‌زیست پرداخته و سپس در ادامه به بررسی تأثیر دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست بر روند توسعه پایدار و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

فاضلی و نامدار (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان "بررسی تغییرات اقلیمی به‌عنوان تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد" تغییرات اقلیمی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌های بین‌المللی در عصر جهانی شدن معرفی می‌کنند. این تغییرات کوچک در دمای زمین می‌تواند منجر به خطر بالقوه‌ای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. درصحنه بین‌المللی به‌مرور آثار این تهدیدات در روابط بین کشورها دیده می‌شود. در این مقاله جنگ دارفور را به‌عنوان مثالی برای اولین درگیری در حوزه تغییرات اقلیمی معرفی می‌کنند. و همچنین این موضوع را فراتر از دستور کارهای بین‌المللی در قالب کنوانسیون چارچوبی سازمان ملل و پیگیری‌های دبیر کل و بررسی‌های هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی در شورای امنیت به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل بیان می‌کنند.

تقوی و طیبی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "چالش‌های جهانی حقوق بین‌الملل محیط-زیست: تغییرات آب و هوایی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی" بیان می‌کنند که تغییرات آب و هوایی به‌طورکلی نشان‌دهنده تهدیدی برای صلح و امنیت جامعه ملل خواهد بود اما کشورهای در حال توسعه مخالف قرار گرفتن بحث تغییرات آب و هوایی در دستور کار شورای امنیت هستند چراکه شورای امنیت دارای عملکردی غیر دموکراتیک بوده و ممکن است این مسئله توسط امتیاز و تو به چالش کشیده شود و مسائل بشردوستانه و

زیست‌محیطی نادیده قرار گیرد. بدین خاطر کشورهای در حال توسعه تغییرات آب و هوایی را نگرانی امنیتی نمی‌دانند و معتقدند تغییرات آب و هوایی در چارچوب توسعه پایدار بهبود می‌یابد. کشورهای در حال توسعه همچنین مدعی‌اند که کشورهای توسعه‌یافته از اجرای مقررات و پروتکل‌های موجود طفره رفته‌اند. بدین صورت تغییرات آب و هوایی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و سازوکارهای اجرائی موجود به نظر می‌رسد ناکافی باشد. در نتیجه برای حل این مشکل و مسئله باید تحت حمایت بین‌المللی از جمله ماده ۳۹ منشور قرار گیرد و در دستور کار شورای امنیت کماکان باقی بماند.

رنجبریان و ارزنده پور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "پدیده دولت‌های در حال غرق: چاره‌اندیشی‌های از نظرگاه حقوق بین‌الملل" به تبیین چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و به‌طور خاص افزایش سطح آب دریاها بر حقوق بین‌الملل حاکم بر دولت بودن می‌پردازند. همچنین این مقاله به تبیین وضعیت حقوقی دولت‌هایی که با تهدید موجودیت خود به‌عنوان دولت مواجه‌اند، راهکارهایی برای حفظ شخصیت دولت‌هایی که سرزمین خود را در نتیجه افزایش سطح آب دریاها از دست می‌دهند، ارائه می‌دهد. جابجایی جمعیت در اثر تغییر اقلیم، محدود به دولت‌های جزیره‌ای کوچک و کم‌ارتفاع نخواهد بود. با وجود این، در این مورد چالش اساسی دولت‌ها این خواهد بود که انتقال جمعیت باید به خارج از مرزها باشد که این امر بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید و آن را به مسئله‌ای فراملی تبدیل می‌کند. برای دولت‌های جزیره‌ای کوچک و کم‌ارتفاع، محدودیت‌های فیزیکی مانع از آن می‌شود که امکان مهاجرت در درون مرزهای سرزمینی به‌عنوان پاسخی در مقابل تغییرات اقلیمی امکان‌پذیر باشد. ارزیابی و امکان‌سنجی هر یک از راهکارهایی که در مسئله دولت‌های در حال غرق ارائه می‌گردد، باید با تکیه بر پویایی و انعطاف‌پذیری قواعد حقوقی، قابلیت تفسیر مبتنی بر حسن نیت و اصول حقوقی چون انصاف باشد. بر این اساس عملکرد حقوقی جامعه بین‌المللی از جمله مؤلفه‌های کلیدی در تعیین سرنوشت دولت‌های در حال غرق

است. مسئله دولت‌های در حال غرق می‌تواند در ایجاد انگیزه قوی در جامعه بین‌المللی در جهت دستیابی به اجماع در خصوص مسائل زیست‌محیطی مؤثر باشد.

تغییرات اقلیمی

هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی^۱ اظهار کرده است که تغییر اقلیم به « هرگونه تغییر در اقلیم در طول زمان خواه به دلایل طبیعی و خواه در نتیجه فعالیت‌های انسانی اشاره دارد » (Kalin, 2011:4). سال ۲۰۰۷ سالی بود که تغییرات آب و هوایی به‌عنوان یک موضوع اصلی نه‌تنها توسط جریان‌های سیاسی در سطوح جهانی و ملی، بلکه در شورای امنیت سازمان ملل، گروه جی ۸، اتحادیه اروپا و در بسیاری از کشورهای جهان مطرح شد و مورد توجه عمده قرار گرفت. آن‌ها برنامه‌های گسترده‌ای را نه‌تنها برای کاهش اثرات منفی بلکه همچنین برای تطبیق دادن با تغییرات آب‌وهوا و گرم شدن کره‌ی زمین، در دستور کار خود قراردادند (هالدن، ۱۳۹۲: ۱). در نوامبر ۲۰۱۲ برنامه‌ی محیط‌زیست ملل متحد در گزارشی هشدار داد که دمای کره‌ی زمین در همین قرن به میزان دو درجه افزایش خواهد یافت (UNEP, 2011). گزارش دیگری که از سوی بانک جهانی انتشار پیدا کرد نیز اعلام کرد که در صورتی که «تغییر جدی در سیاست‌ها» صورت نگیرد و لحاظ نشود میانگین دمای جهانی تا ۴ درجه‌ی سانتی‌گراد تا پایان این قرن افزایش خواهد نمود (Irinnews, 2012) و در صورت عدم اتخاذ اقدامات لازم در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تا سال ۲۱۰۰ میانگین دمای جهانی در مقایسه با دوره‌ی پیش از صنعتی از ۳٫۷ تا ۴٫۸ درجه‌ی سانتی‌گراد افزایش خواهد داشت (Edenhofer et al, 2015:8). پیامدهای ناشی از انتشار آلاینده‌های گلخانه‌ای و به‌تبع آن تغییر اقلیم، گستره‌ای جهانی و فراگیر دارد. این تغییرات فراتر از مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی پیش می‌رود و تمام انسان‌ها و گونه‌های جاندار کره‌ی خاکی را تهدید کرده و در معرض خطر قرار می‌دهد و تبعات فراوان اما متفاوتی را در نقاط مختلف دنیا بر جای می‌گذارد. این امر بدان علت

¹ Intergovernmental Panel on Climate

است که همه‌ی اجزای طبیعت با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند. به یک تعبیر، «طبیعت بزرگ‌ترین دایره‌ی بسته‌ی زندگی است» (پورخجاز، ۱۳۸۱: ۱۵). وحدت و یکپارچگی عناصر زیست‌محیطی سبب می‌شود که هرگونه دست‌کاری و دگرگونی در چرخه‌ی طبیعت بازتابی فراگیر و جهانی داشته باشد، مرزها را درنوردد و همه‌ی ساکنین کره‌ی خاکی را دچار خطر و مشکل نماید.

تأثیر انسان بر محیط‌زیست پیرامون، عمری به‌اندازه حیات بشری دارد. اما تخریب و نابودی آن با انقلاب صنعتی و افزایش سریع جمعیت به نحوی خطرناک، شدت بیشتری یافت. پیشرفت علم و فناوری نیز از طرفی دیگر انسان را قادر ساخت تا طبیعت را مقهور خود سازد و این عمل موجب انهدام تدریجی اما مستمر محیط‌زیست گردید. به عبارت بهتر، گرچه مدت‌ها است که بشر متوجه اهمیت محیط‌زیست در زندگی خود شده است اما امروزه خطر بزرگی که بشر از ناحیه مشکلات زیست‌محیطی احساس می‌کند نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را برهم زده، بلکه موجودیت او را در معرض تهدید و خطر قرار داده است. بنابراین در کنار مشکلاتی که امروز بشر دارد، فاجعه برهم خوردن تعادل زیست‌محیطی، یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های به وجود آمده برای انسان‌ها است. درواقع رویکردی که جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر به موضوع محیط‌زیست اتخاذ نموده است سبب شده تا همگان بیش‌ازپیش دریابند که این مقوله به‌عنوان یک مسئله مهم در جهت حفظ و تداوم حیات بشری در کنار سایر ابعاد زیست‌محیطی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (محمودی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۳). تغییرات اقلیمی به‌عنوان پدیده‌ای زیست‌محیطی که وقوع آن، معلول انتشار بیش‌ازحد گازهای گلخانه‌ای توسط جوامع صنعتی دانسته می‌شود، با توجه به پیامدهای سوئی که برای کل سیاره زمین به دنبال دارد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیشروی جامعه بین‌الملل به شمار می‌رود که درواقع مقابله با آن بدون حضور و مشارکت فعال تمامی کارگزاران (اعم از دولتی و غیردولتی) تقریباً غیرممکن و دست‌نیافتنی است.

پیش‌بینی‌های مربوط به گرمایش جهانی در قرن ۲۱ را می‌توان به‌خوبی با تغییرات گذشته مقایسه نمود گرچه این تغییرات احتمالاً سریع‌تر از گذشته است و موجب گرمای بیشتر کره‌ی زمین نسبت به قبل می‌شود اما یک تفاوت قابل توجه بین آن‌ها وجود دارد، و آن وجود بیش از ۶ میلیارد جمعیت ساکن روی کره‌ی زمین است که خطر در معرض قرار گرفتن آن‌ها در مقابل این افزایش گرما خیلی بیشتر از گذشته است این در حالی است که اکوسیستم‌های طبیعی نیز شکننده‌تر از قبل در معرض این تغییرات قرار گرفته‌اند. عوامل متعدد تأثیرگذار و وجود تنش‌ها و فشارها روی سامانه‌های محیط‌زیست، ضرورت توجه به مشکلات رو به رشد را بیش‌ازپیش واضح نموده است از مهم‌ترین مشکلات موجود در پیوند با پدیده تغییر اقلیم، چگونگی فائق آمدن به موضوع، به حداقل رساندن پیامدهای منفی آن، بهره‌گیری از منافع بالقوه احتمالی آن و جست‌وجو برای یافتن شیوه‌های مؤثر برای کاهش اثر فعالیت‌های بشر بر تغییر اقلیم را می‌توان نام برد (حسن لی، ۱۳۹۰: ۲۱).

بنابراین برای دست‌یابی به راهکار و نتیجه مطلوب در این زمینه و جلوگیری از آثار سوء تغییرات اقلیمی در سطح جهانی اجماع گسترده دولت‌ها در این خصوص بدون تردید، لازم و ضروری خواهد بود که این امر نیز از طریق دیپلماسی محیط‌زیستی مابین کشورها در این زمینه تحقق می‌یابد.

اثر تغییر اقلیم بر محیط‌زیست

یافته‌های جدید هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم همچنین مؤید آن است که با توجه به انبساط حرارتی اقیانوس‌ها و ذوب شدن یخچال‌های طبیعی و لایه‌های یخی، میانگین سطح آب دریاها بین سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۰ به میزان تخمینی ۱۹ سانتی‌متر بالا آمده است (Alexander & et al, 2011: 11). طبق پیش‌بینی مدل‌های موجود، میانگین سطح آب دریاها در طول قرن بیست و یکم بین ۲۶ و ۹۸ سانتی‌متر افزایش خواهد یافت (Ibid: 25)

پیش‌بینی این مدل‌ها بر مبنای این فرض محافظه‌کارانه و با درجه‌ی اطمینان متوسط استوار است که یخ‌های قطب جنوب به تدریج در طول قرن‌های آتی (و نه به‌طور ناگهانی و در

قرن حاضر) ذوب خواهند شد (Ibid) تغییرات در طول قرن بیست و یک در میزان دما و نیز الگوهای بارش در سطح محلی خود را نشان خواهد داد، همان‌طور که بر دفعات و شدت برخی رخدادهای آب و هوایی شدید تأثیر خواهد گذاشت (Allen, 2012: 9). گرمایش جهانی بر زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی نیز آثار مخربی خواهد داشت. افزایش دمای ۰٫۲ درجه‌ی سانتی‌گراد در هر دهه، حداقل دو برابر میزان افزایشی است که اکوسیستم می‌تواند خود را با آن سازگار کند (حیثی نوخندان و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۱). برخی از زیست‌بوم‌هایی که بیش از همه از تغییر اقلیم متأثر می‌شوند عبارت‌اند از: زیست‌بوم‌های نقاط مرتفع، قطب شمال و جنوب و جوامع گیاهی و جانوری در جزایر و سواحل. از نظر محققان با افزایش ۱٫۵ تا ۲٫۵ درجه‌ی سانتی‌گرادی میانگین دمای کره‌ی زمین (در مقایسه با میزان آن در بین سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۰)، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد گونه‌های گیاهی و جانوری در خطر نابودی قرار خواهند گرفت (Craig, 2004: 146-147).

قراردادهای زیست‌محیطی و حقوق محیط‌زیست

در ادامه به انواع قراردادها اشاره می‌گردد:

الف) قراردادهای زیست‌محیطی

بحث محیط‌زیست و حقوق محیط‌زیست اگرچه فی‌نفسه شاخه‌ای از حقوق داخلی است، اما در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و فناوری که باعث به وجود آمدن مسائل زیست‌محیطی و آلودگی‌های فراوان به مسئله‌ای فراملی، فرامرزی و بین‌المللی تبدیل شده است، بدین سبب امروزه محیط‌زیست و حفاظت از محیط‌زیست حوزه نسبتاً نوینی برای مقررات بین‌المللی به شمار می‌آید. بدین ترتیب محیط‌زیست یکی از کلیدی‌ترین مباحث قرن حاضر است که بحران کوچکی در ابعاد محلی آن می‌تواند فوراً به یک مسئله جهانی تبدیل شود (طیعی، ۱۳۹۵: ۷۰). نگرانی بزرگ راجع به ضرورت اقدامی جهانی برای حمایت محیط‌زیست طبیعی پدیده‌ای نسبتاً جدید است. حتی تا چند دهه گذشته آگاهی عمومی از مشکلات مربوط به محیط‌زیست جهانی و نیاز برای اقدام منسجم چندجانبه جهت بررسی

این مشکلات آشکارنشده بود با ادامه و گسترش انتشار بیشتر اطلاعات مربوط به چالش‌های محیط‌زیستی، نگرانی بین‌المللی نیز در طی سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده است (کوروکولاسوریا و رایسون، ۱۳۹۰: ۴۱). بنابراین عدم توجه به محیط‌زیست برای دولت‌ها فاجعه و یا حتی سقوط آن‌ها را در پی خواهد داشت. ازاین‌رو توجه جامعه‌ی جهانی بایستی بیش‌ازپیش به چارچوب‌های مقرر جلب گردد که از جمله این چارچوب‌ها (دیپلماسی محیط‌زیست) است. دیپلماسی محیط‌زیست در واقع چارچوب نظام‌یافته در رعایت حفظ محیط‌زیست در اثر همکاری‌های الزام‌آور در جهت تحقق ثبات صلح جهانی است. هدف اصلی دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست، برانگیختن همکاری بین‌المللی به‌منظور تولید موافقت‌نامه‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در خصوص مسائل زیست‌محیطی است. در این فرآیند، تفاوت‌ها می‌توانند نقطه آغاز و اصول پیشگیرانه به‌منظور اقدام برای حفاظت از محیط‌زیست اعمال گردد. دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست همچنین به‌منظور توسعه استانداردها، از طریق معاهدات و ابزار قوانین نرم استفاده می‌کند تا از روند تحقق توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست در تمام سطوح اطمینان حاصل نماید. در این خصوص، دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست به‌منظور هدایت مذاکرات میان کشورها در کنفرانس‌ها و جلسات، رایزنی‌های دیپلماتیک، و تعامل بین دولت انجام می‌گیرد (طیبی، ۱۳۹۵: ۷۲).

جامعه بین‌الملل برای اولین بار بر اساس پروتکل ۱۹۸۷ مونترال کانادا که یک توافق‌نامه جهانی است، پذیرفت که بر اساس مستندات علمی اقدامات لازم برای کنترل برخی گازهای صنعتی که باعث از بین رفتن لایه ازون می‌شوند به عمل آورد. تاریخچه‌ی روابط انسان با محیط‌زیست نشان داده است وقتی جامعه متوجه می‌شود سلامت و حیات او درخطر است به‌ناچار قوانین و راهبردهای لازم را برای کنترل تهدیدها تدوین می‌نماید شواهد علمی نشان می‌دهد انتشار بدون کنترل گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی برای توسعه جامعه امروزی تهدیدی جدی به حساب می‌آید (حسن لی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶). امروزه معاهدات به‌عنوان سازوکارهای اصلی هستند که بدان وسیله کشورها روابطشان

را با یکدیگر تنظیم می‌کنند. از دهه ۹۰ تعداد بی‌شماری قراردادهای چندجانبه محیط‌زیستی منعقد شده‌اند بیش از ۲۰۰ مورد قرارداد چندجانبه محیط‌زیستی که فراتر از ۲ کشور عضو آن هستند وجود دارد تعدادی از این‌ها معاهدات جهانی هستند که هر کشوری می‌تواند عضو آن بشود تعداد قراردادهای دوجانبه مشخص نیست، اما تصور می‌شود بیش از ۱۰۰۰ قرارداد باشند. نتیجه این وضعیت یک ساختار متنوع بین‌المللی برای مدیریت محیط‌زیستی است که تعداد فوق‌العاده موضوعات و مسائل مربوط به محیط‌زیست را منعکس می‌کند (مرادی، ۱۳۹۲: ۶۴).

ب) حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی است که مناسبات بین تابعین حقوق بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) را تحت نظم قرار می‌دهد. این نظم حقوقی عمدتاً بر معاهدات دوجانبه و چندجانبه و عرف و رویه قضایی بین‌المللی استوار است (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۷۴). یکی از اسباب توسعه قواعد حقوقی مقابله با تهدیدهایی است که سلامت محیط‌زیست و متعاقباً حیات انسان را به خطر می‌اندازد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با این که مدت زیادی از عمر آن نمی‌گذرد و شاخه‌ای جوان از حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود ولی توانسته است بسیاری از بخش‌های نظام حقوقی بین‌المللی مانند حقوق بشر، حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق مسئولیت مدنی و کیفری بین‌المللی و ... را با تلاطمی جدی مواجه نماید (محمودی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست جدید با کنفرانس ملل متحد سال ۱۹۷۲ در مورد محیط‌زیست بشری که در شهر استکهلم سوئد برگزار شد، رشد قابل توجهی را به دنبال داشت و توجه بیشتری را نسبت به این موضوعات جلب کرد (کوروکولاسوریا و راینسون، ۱۳۹۰: ۴۱). در واقع تاریخ سیستم مدرن مدیریت بین‌المللی محیط‌زیست به کنفرانس مهم سازمان ملل در مورد محیط‌زیست بشر در سال ۱۹۷۲ در شهر استکهلم برمی‌گردد بسیاری از قراردادهای بین‌المللی محیط‌زیست بخصوص آن‌هایی که مربوط به آلودگی دریاها هستند قبل از کنفرانس استکهلم

تنظیم شده‌اند اما این اولین کنفرانس محیط‌زیستی منسجم، سرآغاز فوران فعالیت‌های ملی و بین‌المللی محیط‌زیستی گردید، زیرا بعد از آن کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به چالش‌های در حال ظهور مدیریت محیط‌زیستی در همه‌ی سطوح پاسخ دادند. کنفرانس استکهلم همچنین پیشرو اشکال جدید مشارکت‌های عمومی در یک کنفرانس سازمان ملل گردید، و بین فعالیت‌های رسمی دولتی و فعالیت‌های موازی غیررسمی سازمان‌های غیردولتی ارتباط ایجاد کرد (مرادی، ۱۳۹۲: ۵۷).

اعلامیه‌ی استکهلم ۱۹۷۲ توجه جهانیان را به اهمیت محیط‌زیست بیشتر جلب نمود و موجب شکل‌گیری اصول، قواعد، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و نهادهای تخصصی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گردید. مناقشات ناظر بر مدیریت منابع طبیعی، آلودگی فرامرزی، ریسک‌های زیست‌محیطی جهانی، نظیر تغییر آب‌وهوا، آسیب‌دیدگی لایه اوزون، تهدیدات ناشی از دفن زباله‌های اتمی، همگی موجب شدند در دهه‌ی ۱۹۸۰ مفهوم امنیت اکولوژیکی در مناسبات بین‌المللی شکل گرفته و مسائل زیست‌محیطی در دستور کار سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی قرار گیرد. برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه در ژوئن سال ۱۹۹۲ یک‌بار دیگر توجه جهانیان را بر ضرورت تأمین بهتر همکاری در خصوص مسائل زیست‌محیطی جهانی، با محوریت توسعه پایدار جلب نمود. سیاست‌گذاری و مدیریت منابع طبیعی مشترک و مدیریت ریسک‌های زیست‌محیطی فرامرزی، تدوین حقوق بین‌الملل در برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل، کمیسیون حقوق بین‌الملل و ارگان‌های منطقه‌ای نظیر کمیسیون اقتصادی اروپا (ECE) و شورای همکاری و امنیت اروپا قرار گرفت. مجموعه اصول و قواعد محیط‌زیست بر سه محور است: ۱- تعهد به همکاری برای اطلاع‌رسانی، ۲- تبادل اطلاعات و ۳- هماهنگی سیاست‌ها در زمینه‌ی منابع طبیعی مشترک، ریسک‌های فرامرزی، حل و فصل اختلافات و جبران خسارات است که همگی در حوزه‌ی مناسبات بین‌دولت‌ها و دیپلماسی محیط‌زیست قرار می‌گیرد. تخمین زده می‌شود که امروزه ۳۰۰ معاهده چندجانبه

و حدود هزار معاهده دوجانبه در زمینه‌ی حفظ و حمایت از محیط‌زیست وجود دارد. به موازات این تحولات، حمایت از حقوق بشر به یک موضوع مورد علاقه‌ی بین‌المللی تبدیل شده است و فرآیند بین‌المللی شدن حفاظت از حقوق بشر و محیط‌زیست آغاز گردیده است. در رویکرد جدید به محیط‌زیست، حق داشتن و برخورداری از محیط‌زیست مناسب به‌طور کلی مستقل از حقوق زیست‌محیطی قلمداد می‌گردد. طرفداران حقوق بشر، حق به محیط‌زیست را به‌عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط‌زیستی با کیفیت خاص می‌شناسند و معمولاً به‌عنوان "حق داشتن محیط‌زیست مناسب" شناخته می‌شود. از این زاویه حق به محیط‌زیست سالم در مجموعه‌ی نسل جدید حقوق بشر قرار می‌گیرد که اصطلاحاً آن را حقوق همبستگی نیز می‌نامند (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۷۴-۲۷۵). مشکل آلودگی محیط‌زیست امروز جهان، مشکل تنها یک کشور و یا یک قلمرو خاص نیست، بلکه مشکل کل جهان است که دربردارنده مسائل مختلفی نیز هست که از جمله آن‌ها می‌توان به آلودگی آب و هوا، گرم شدن کره زمین، بالا آمدن سطح آب دریاها، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه اوزون، تخریب جنگل‌ها، باران‌های اسیدی، آلودگی‌های صوتی و آزمایش‌های هسته‌ای اشاره نمود (محمودی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴).

بر اساس حقوق بین‌الملل کلاسیک دولت‌ها بر قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیت مطلق و صلاحیت انحصاری برخوردار می‌باشند. حال آن‌که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ماهیتاً این اصول را به چالش می‌طلبد، زیرا بر مبنای یافته‌های جدید، محیط‌زیست مرز نمی‌شناسد و حیطة صلاحیت سرزمینی دولت را درمی‌نوردد. به‌عنوان مثال توده‌های هوا، جریان‌های اقیانوسی، رودخانه‌ها و گونه‌های جانداران مهاجر همگی بدون ملاحظه مرزهای تصنعی انسانی در حال حرکت و جابجایی هستند. گرچه در ظاهر دولت‌ها در قلمرو خویش دارای حق حاکمیت مطلق هستند ولی نظام بین‌المللی متشکل از کشورهای برابر، ترسیم‌کننده چهره‌ای نسبی از حاکمیت کشورهاست؛ و آزادی نامحدود در بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی توسط کشور ذی‌ربط، منافع سایر کشورها را نیز

تحت تأثیر قرار می‌دهد. به کشور مزبور نمی‌توان در زمینه بهره‌گیری از منابع خود آزادی انحصاری یا نامحدود اعطا کرد. بر این اساس در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته، معیارهای جهانی مشترک جهت به نظم در آوردن اعمالی خاص و یا ممنوع ساختن برخی فعالیت‌ها اتخاذ گردیده است (همان: ۱۵). محیط‌زیست در سیاق جدید توسعه پایدار متضمن عناصر اجتماعی و فیزیکی پیرامون بشر و همچنین شامل زمین، آب، جو، آب‌وهوا، صدا، بو، مزه، انرژی، مدیریت پسماند، آلودگی دریایی و ساحلی، عناصر بیولوژیکی گیاهان و جانوران و همچنین ارزش‌های فرهنگی، مکان‌های تاریخی و آثار جاودان و زیبایی‌شناختی است. به‌طور کلی حقوق محیط‌زیست را می‌توان به حوزه‌ای از حقوق تعریف کرد که شامل بر عناصر کنترل‌کننده تأثیر انسان بر زمین و سلامت عمومی می‌شود (کوروکولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۷۵).

نقش دیپلماسی محیط‌زیست بر توسعه پایدار

قواعد پیامدهای زیست‌محیطی برای نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی به تصویب رسید. در مدت کوتاهی پس‌از آن، قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی شروع به وضع الزامات ناشی از ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی کردند که این الزامات چه از نظر دامنه و چه از نظر جزئیات بسیار گسترده بودند. امروزه اسناد بین‌المللی به‌طور معمول تعیین و مقرر می‌نمایند که دولت‌ها در مراحل اولیه بدون بررسی قبلی آثار زیست‌محیطی، فعالیت‌هایی که دارای احتمال خطرات زیست‌محیطی‌اند، نباید چنین فعالیت‌هایی را انجام داده یا اجازه انجام آن‌ها داده شود (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). در این فرآیند توسعه پایدار راهکار عدالت زیست‌محیطی بوده و حرکت در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و مقابله با اختلالات آب و هوایی در سطح بین‌المللی بسیار ارزشمند است. در این میان اخلاق می‌تواند یک فرآیند سازنده برای رسیدن به عدالت زیست‌محیطی و ثبات محیط‌زیست باشد و این نشان می‌دهد که داشتن محیط‌زیست پاک یک حق انسانی و بشری برای تمامی موجودات زنده است و با قاطعیت می‌توان گفت افزایش مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی دارای نتایج مثبتی

خواهد بود (جم، ۱۳۸۷؛ ۸۳). در این راستا دست‌یابی به توسعه پایدار مستلزم کاهش خطر آلودگی و مداخله در سامانه‌های حیات‌بخش نظیر اقلیم جهانی است این توسعه همچنین مستلزم اتخاذ تدابیری برای حفاظت از چشم‌اندازها، میراث طبیعی و فرهنگی و تنوع زیستی از طریق مصرف بااحتیاط منابع طبیعی و به‌ویژه منابع تجدیدناپذیر است (مرادی، ۱۳۹۲: ۱۵). این روند در جهت حفظ محیط‌زیست مورد توجه گسترده عمومی قرار می‌گیرد و این دغدغه را گوشزد می‌کند که این مسئله یک معضل جهانی است و نیاز به همکاری گسترده جهانی دارد.

جامعه بین‌المللی، توسعه پایدار را به‌عنوان یک الگوی غالب به‌منظور بهبود کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه را مورد شناسایی قرار داد (کوروکولاسوریا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۹۹). توسعه پایدار مطابق با نظریه برانت لند، چیزی فراتر از توجه صرف به توسعه است. هدف توسعه پایدار بهبود وضعیت بشر است، اما آن را با روش محیط‌زیستی پایدار دنبال می‌نماید. مطابق با گزارش کمیسیون برانت لند با عنوان "آینده مشترک ما" توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون قربانی نمودن امکانات نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود، برآورده می‌سازد این توسعه دو مفهوم کلیدی دارد: ۱- توجه به نیازها، بخصوص نیازهای اساسی تهی‌دستان دنیا که باید به آن‌ها اولویت داده شود، ۲- محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط فن‌آوری‌ها و ساختارهای اجتماعی بر قابلیت‌های محیط‌زیستی در مورد تأمین نیازهای نسل‌های حال و آینده است. در سال ۱۹۸۵ سازمان ملل، کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه را تشکیل داد که گزارش خود موسوم به آینده مشترک ما را در سال ۱۹۸۷ منتشر نمود این گزارش اولین اعلامیه منسجم در زمینه توسعه پایدار است (مرادی، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). سال ۱۹۹۲ در اجلاس زمین در ریودوژانیرو، رهبران جهان با تأکید بر اهمیت توسعه پایدار، خود را برای رسیدن به این نوع توسعه متعهد کردند. مفهوم توسعه پایدار از آن تاریخ به‌طور پیوسته در مباحث توسعه مورد توجه بوده است و حتی امروزه بیشتر برنامه‌ریزها، دولت‌ها و سازمان‌های

غیردولتی، توسعه پایدار را به‌عنوان یک هدف در برنامه‌ریزی‌های خود در نظر می‌گیرند (حسن‌لی، ۱۳۹۰: ۳۲). سازمان ملل متحد در ۱۹۹۲ دومین نشست جهانی را برگزار کرد این اجلاس که در ریودوژانیرو برزیل از ۳ تا ۱۴ ژوئن آن سال برگزار شد به کنفرانس ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه معروف است. مفهوم محوری این اعلامیه توسعه پایدار است؛ مفهومی که توسعه را با حمایت زیست‌محیطی ادغام می‌نماید. در این خصوص اصل چهارم حائز اهمیت است این اصل تأیید می‌کند که برای دستیابی به توسعه پایدار، حمایت محیط‌زیستی باید جزء لاینفک روند توسعه باشد و چنین توسعه‌ای نمی‌تواند مستقل از حمایت زیست‌محیطی در نظر گرفته شود، در این راستا دستور کار ۲۱ برنامه اقدامی برای نیل به توسعه پایدار است (مرادی، ۱۳۹۲: ۹). اعلامیه ریو شامل یک مقدمه و بیست‌وهفت اصل حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که جامعه بین‌الملل را در تلاش‌هایش برای به دست آوردن و تحصیل توسعه پایدار هدایت می‌کند از زمان تصویب اعلامیه ریو، پیشرفت‌های عمده‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ایجاد شد که تعریف، وضعیت و تأثیر اصول و مفاهیم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را تحت‌الشعاع قرار داده است. پیشرفت‌های حاصله از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شامل مذاکره و لازم‌الاجرا شدن چندین موافقت‌نامه چندجانبه عمده گردیده است. دستور کار ۲۱ و نشست جهانی در مورد طرح اجرای توسعه پایدار که به‌منظور ایجاد یک چارچوب قانونی و حقوقی مؤثر در خصوص توسعه پایدار، کنفرانس ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه در شهر ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ برگزار شد. همان‌طور که در فصل ۸ در بند ۱۳ از دستور کار ۲۱ نیز آمده است، اعلام نمود که قوانین و مقرراتی که بر اساس شرایط ویژه یک کشور وضع شده است، در عمل جزء مهم‌ترین اسناد جهت متحول کردن سیاست‌های محیط‌زیستی و توسعه هستند که نه‌فقط از طریق روش‌های "فرمان و کنترل" بلکه به‌عنوان یک چارچوب هنجاری برای برنامه‌ریزی اقتصادی و ابزارهای بازار اعمال می‌گردند (کوروکولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۸۰-۹۷). هم‌چنین در ارتباط با تأسیس نوع نهادهای

مرتبط برای وضع و تقویت قوانین محیط‌زیستی داخلی، طرح اجرایی نشست جهانی ۲۰۰۲ در مورد توسعه پایدار بر اهمیت نقش دولت‌ها در تقویت چارچوب‌های نهادین برای توسعه پایدار در سطح ملی تأکید می‌کند. در ماده ۱۶۲ طرح اجرایی نشست جهانی در مورد توسعه پایدار آمده است که دولت‌ها برای گسترش رویکردهای یکپارچه و منسجم به چهارچوب‌های نهادین مناسب توسعه پایدار، در همه‌ی سطوح ملی از طریق تأسیس یا تقویت مراجع موجود و مکانیسم‌های لازم جهت سیاست‌گذاری‌ها، هماهنگی‌ها، اقدام و اجرای قوانین ملزم هستند. بنابراین مسئله محیط‌زیست و دست‌یابی به توسعه پایدار همانند پلی بین جوامع بین‌المللی عمل خواهد کرد که در این بین دیپلماسی بین‌المللی نقش مهم و عمده‌ای را می‌تواند ایفا کند و کشورها با وحدت و همکاری می‌توانند مانع از بین رفتن محیط‌زیست شوند.

وجود اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از نشانه‌های بارز موفقیت دیپلماسی محیط‌زیست در روند توسعه این شاخه بوده است. همین موفقیت هست که این فرآیند را به‌طرف حقوق بین‌الملل توسعه پایدار سمت‌وسو داده است. توسعه عالی پایدار نیز یک زمینه وسیع و موفق‌ناشی از دیپلماسی محیط‌زیست است. در همین راستا وجود آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی است که زمینه‌های فعال دیپلماسی محیط‌زیست را در برخی از آن‌ها شاهد هستیم و به نظر می‌رسد این روند توفیقات بیشتری را برای جامعه بین‌المللی به همراه خواهد داشت (طیبه، ۱۳۹۵: ۷۷). درنهایت باوجود صورت‌بندی‌های توسعه پایدار از دهه ۹۰ به بعد، در مورد به اجرا گذاشتن آن در مراجع بین‌المللی همچنان ابهامات بسیاری در این زمینه وجود دارد. اما در کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی دولت‌ها تلاش نمودند تا دیدگاه‌های خود را به یکدیگر نزدیک نمایند تا بدین‌صورت در راستای تحقق توسعه پایدار روبه‌جلو گام بردارند.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی تغییرات اقلیمی و پیامدهای ناشی از آن نشان‌دهنده‌ی تهدیدی برای جامعه‌ی بین‌المللی است و تخریب‌های زیست‌محیطی روزبه‌روز در حال افزایش است. در این راستا نباید از همکاری‌های بین‌المللی در جهت مقابله و پیشگیری از خطرات بین‌المللی زیست‌محیطی غفلت نمود چنان‌که این همکاری‌ها باید میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی به‌صورت جدی‌تر دنبال شود. در این میان نقش دیپلماسی می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود، دیپلماسی یک ابزار کاربردی در روابط بین‌الملل است در همین راستا همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی زمینه‌ی روند ظهور دیپلماسی در طی کنفرانس‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازند و درنهایت می‌توان گفت تنها راه خارج شدن از خطرات زیست‌محیطی، دیپلماسی محیط‌زیست در اثر همکاری‌های بین‌المللی است، که روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز متأثر از فرآیند همین دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست است.

در این تحقیق به بررسی و تبیین روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه پایدار در پرتو دیپلماسی محیط‌زیست پرداخته شد. دیپلماسی محیط‌زیست امروزه چارچوبی بنیادین برای محقق شدن تحول و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بوده است. مشکلات محیط‌زیستی می‌تواند مانند یک پل واسط بین جوامع بین‌الملل باشد که در این بین همگرایی بین‌المللی نقش پراهمیتی را ایفا می‌کند و دولت‌ها می‌توانند با همکاری مانع از نابودی محیط‌زیست و زمین شوند. به هر ترتیب دیپلماسی محیط‌زیست یک روش مؤثر برای محافظت از محیط‌زیست و یک وسیله کارآمد برای دغدغه‌مند نمودن افکار و اذهان جامعه بین‌الملل در زمینه تهدیدات زیست‌محیطی و نیز برای درک کردن اهمیت ژئوپلیتیکی زمین و محافظت از آن است. در این بین جامعه بین‌المللی از دهه ۹۰ بحث مهم توسعه پایدار را در دستور کار خود قرار داد و به‌منظور حفاظت از منابع طبیعی و رعایت نمودن حقوق نسل‌های فعلی و آینده موضوع توسعه پایدار مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار

گرفت، برگزاری کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ یک نقطه عطف در خصوص موضوع توسعه پایدار محسوب می‌شود. برای رسیدن به توسعه پایدار باید همکاری و هماهنگی در بین دولت‌ها وجود داشته باشد، در این میان دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست می‌تواند پایه‌ی استانداردهای زیست‌محیطی بوده و به‌عنوان یک روش پیش‌برنده محسوب شود. برای نمونه دولت‌ها در کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی زیست‌محیطی تلاش نموده‌اند تا نظرات خود را به یکدیگر نزدیک سازند تا در راستای تحقق توسعه پایدار گام بردارند. در آخر این نکته را نیز باید متذکر شد که با توجه به اهمیت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در رابطه با توسعه پایدار، هنوز اقدامات زیادی از طرف جامعه بین‌المللی لازم و ضروری است که انجام گیرد و این امر مهم جز از طریق دیپلماسی محیط‌زیست بین‌المللی حاصل نخواهد شد.

منابع

- پورخجاز، علیرضا و پورخجاز، حمیدرضا (۱۳۸۱)، عمده‌ترین آشفتگی‌های زیست‌محیطی قرن حاضر (باران اسیدی، لایه ارون، گرمایش جهانی)، مشهد، شرکت به‌نشر.
- تقوی، لعبت و طیبی، سبحان (۱۳۹۱)، «چالش‌های جهانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: تغییرات آب و هوایی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۳، شماره ۱۱.
- جم، فرهاد (۱۳۸۷)، «دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی و منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹.
- حبیبی نوخندان، مجید و دیگران (۱۳۸۹)، «تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین (پرسش و پاسخ)»، مشهد: محقق.
- حسن‌لی، علی‌مراد (۱۳۹۰)، «تغییرات اقلیم و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط‌زیست (راهبردهای سازگاری، کاهش اثر)»، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- رنجبریان، امیرحسین و ارغنده‌پور، نفیسه (۱۳۹۱)، «پدیده دولت‌های در حال غرق: چاره‌اندیشی‌های از نظرگاه حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های بین‌الملل، سال بیست و نهم، شماره ۴۶.
- طیبی، سبحان (۱۳۹۵)، «دیپلماسی پایدار؛ راهبردی مؤثر برای درک مذاکرات بین‌المللی زیست‌محیطی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال پنجم، شماره بیست و یکم.
- فاضلی، حبیب‌اله و نامدار، علی (۱۳۹۵)، «بررسی تغییرات اقلیمی به‌عنوان تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۲۱.
- کوروکولاسوریا، لال و رایبسون، نیکلاس (۱۳۹۰)، «مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، ترجمه: سید محمد مهدی حسینی، تهران: نشر میزان.

- محمودی، محمدباقر و محمدی، عادل (۱۳۹۶)، «جایگاه اصول حقوق بین‌الملل در برابر تغییرات اقلیمی در جامعه جهانی»، تهران: خرسندی.
- مرادی، حسن (۱۳۹۲)، «حقوق محیط‌زیست بین‌الملل»، تهران: میزان.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۶)، «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط‌زیست سالم»، فصلنامه‌ی حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۲۷، شماره‌ی ۴.
- هالدن، پیتر (۱۳۹۲)، «ژئوپلیتیک تغییرات آب و هوایی چالش‌هایی برای نظام بین‌الملل»، مترجمان پیشگامی فرد، بافرانی و رضائی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Alexander, Lisa et al, (2011). "Summary for Policymakers" in IPCC, Climate Change 2013: The Physical Asian Development Bank (ADB), Climate Change and Migration in Asia and the Pacific.
- Allen, Simon, (2012). Summary for Policymakers in IPCC, Managing the Risks of Extreme Events and Disasters to Advance Climate Change Adaptation (A Special Report of Working Group I and II), Cambridge University Press.
- Craig D. Thomas et al., "Extinction Risk from Climate Change", Nature, Vol.427, 2004, pp.146-147 cited in Burns and Osofsky, op. cit.
- Kalin, Walter, (2011). Climate Change Induced displacement- A Challenge for international law, Published by: Mahanirban Calcutta Research Group.
- Ottmar Edenhofer et al., (2015). "Summary for Policymakers" in IPCC, Climate Change 2014: Mitigation of Climate Change (AR5 Working Group III), Cambridge University Press.
- Irinnews(2012), Potsdam Institute for Climate Impact Research and Climate Analytics, Turn Down the Heat: Why a 4 °C Warmer World Must be Avoided, Report for the World Bank, Washington, November 2012, available at <http://www.irinnews.org/report/96867/climate-change-when-the-damage-is-done>.
- United Nations Environment Programme, the Emissions Gap Report 2011: A UNEP Synthesis Report, Nairobi, November 2012.